

مقتل امام حسین علیہ السلام و یارین

بہ ضمیمہ قیام مختار و توابعین

ترجمہ نفس المہوم

مرحوم حاج شیخ عباس قمی

مترجم: علی نظری منفرد



سرشناسه: قمی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹
 عنوان قراردادى: نفس المهموم فى مصیبة سيدنا الحسين المظلوم عليه السلام. فارسی
 عنوان و پدید آور: مقتل امام حسين عليه السلام و یاران، ترجمه نفس المهموم / عباس قمی:
 مترجم علی نظری منفرد.
 مشخصات نشر: قم: سرور، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری: ۷۳۶ ص.
 شابک: 978 - 964 - 6314 - 35 - X
 وضعیت فهرست نویسی: فیا.
 موضوع: حسین بن علی، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.
 موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق.
 شناسه افزوده: نظری منفرد، علی، ۱۳۲۰، مترجم.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۷۰۴۱ ن ۸ ق / ۵ / ۴۱ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۳۴
 شماره کتابخانه ملی: ۱۰۳۱۴۳۴



قم، خیابان حجتیه، کوچه ۴، تلفاکس ۷۷۳۶۸۱۰، صندوق پستی ۴۹۶-۳۷۱۸۵

مقتل امام حسین علیه السلام و یاران

(ترجمه نفس المهموم)

مؤلف : مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره)

مترجم : علی نظری منفرد

ناشر : انتشارات سرور

نوبت چاپ : اول

لیتوگرافی : تیزهوش

چاپ : شریعت

صحافی : یاس

تاریخ انتشار : ۱۳۸۶ ه. ش

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

بها : ۴۸۰۰ تومان

* کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است *

شابک X-۲۵-۶۳۱۴-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

۲۱	پیشگفتار
۳۰	مقدمه مؤلف
۳۵	❖ مقدمه - در ولادت مولای ما حسین مظلوم علیه السلام

باب اول

مناقب امام حسین علیه السلام و ثواب گریه بر مصیبت و لعن بر قاتلان او

و احادیثی که درباره شهادت آن حضرت وارد شده است

۴۳	❖ فصل اول - مختصری از مناقب آن حضرت
۴۴	شجاعت آن حضرت
۴۷	علم آن حضرت
۴۸	بخشنندگی وجود آن حضرت
۵۱	فصاحت، زهد، تواضع و عبادت امام علیه السلام
	❖ فصل دوم - ثواب گریه بر مصیبت حسین علیه السلام و ثواب لعن بر قاتلان او و احادیث
۵۵	مربوط به شهادت آن حضرت

باب دوم

رویدادهای پس از بیعت مردم با یزید بن معاویه تا هنگام

شهادت امام حسین علیه السلام

۹۳	❖ فصل - زمینه قیام
۹۳	❖ فصل - مرگ معاویه بن ابی سفیان

۹۷	✽ فصل - درخواست بیعت از امام حسین (ع)
۱۰۳	✽ فصل - خروج امام حسین (ع) از مدینه
۱۰۳	کنار قبر پیامبر (ص)
۱۰۵	امام حسین (ع) و محمد بن حنفیه
۱۰۶	وصیت امام حسین (ع) به محمد بن حنفیه
۱۰۷	امام حسین (ع) و ملائکه
۱۰۸	امام حسین (ع) و جَنّیان
۱۰۹	امام حسین (ع) و امّ سلمه
۱۱۰	امام حسین (ع) و جابر
۱۱۱	✽ فصل - حرکت امام حسین (ع) به سوی مکه و نامه‌های اهل کوفه به آن حضرت
۱۱۲	ورود امام (ع) به مکه
۱۱۳	نامه‌های اهل کوفه به امام (ع)
۱۱۶	✽ فصل - حرکت مسلم بن عقیل به سوی کوفه
۱۱۷	ورود مسلم بن عقیل به کوفه
۱۲۱	✽ فصل - یاری خواستن امام حسین (ع) از بزرگان بصره
۱۲۷	ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه
۱۳۰	ورود مسلم بن عقیل به خانه هانی
۱۳۰	توطئه ابن زیاد
۱۳۱	✽ فصل - ماجرای شریک بن اعور
۱۳۵	گرفتار شدن هانی
۱۴۲	حرکت مسلم بن عقیل با اهل کوفه
۱۴۳	پراکنده کردن یاران مسلم
۱۴۴	تنهایی مسلم بن عقیل
۱۴۶	حمله به مسلم بن عقیل

۱۵۲	مسلم در دارالاماره
۱۵۷	شهادت مسلم بن عقیل
۱۶۰	✽ تذییل-مقام و منزلت هانی بن عروه
۱۶۶	✽ فصل-شهادت میثم بن یحیی تمار
۱۷۴	شهادت زُشَید هَجَری
۱۷۹	شهادت حجر بن عدی و عمرو بن حنق
۱۸۴	شهادت عمرو بن حنق
۱۹۸	✽ فصل-شهادت دو فرزند خردسال مسلم
۲۰۶	✽ فصل-حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به عراق
۲۰۸	درخواست محمد بن حنفیه از امام علیه السلام
۲۱۰	درخواست امّ سلمه از امام علیه السلام
۲۱۱	پیشنهاد ابن عباس به امام علیه السلام
۲۱۲	دیدار ابن زبیر با امام علیه السلام
۲۱۳	نصیحت ابوبکر بن حارث به امام علیه السلام
۲۱۴	پیشنهادهای ابن زبیر به امام علیه السلام
۲۱۵	✽ فصل-خروج امام حسین علیه السلام از مکه
۲۱۶	ملاقات با فرزندق
۲۱۷	ممانعت از خروج امام علیه السلام از مکه
۲۱۷	ادامه حرکت امام علیه السلام
۲۱۸	تلاش عبدالله بن جعفر برای بازگرداندن امام علیه السلام
۲۲۲	نامه امام علیه السلام به اهل کوفه
۲۲۳	رسیدن قیس بن مسهر به کوفه
۲۲۶	دیدار زهیر بن قین با امام علیه السلام
۲۲۹	دادن خبر شهادت مسلم به امام علیه السلام

۲۳۱	سخن گفتن امام علیه السلام با همراهان
۲۳۳	ملاقات امام علیه السلام با عمرو بن لوذان
۲۳۳	روای امام علیه السلام
۲۳۴	❖ فصل - ماجرای حر بن یزید و ملاقات او با حسین علیه السلام و برگرداندن او از راه کوفه
۲۳۶	سخن گفتن امام علیه السلام با حر و یاران او
۲۴۰	اعلام آمادگی یاران امام علیه السلام
۲۴۱	ملاقات طرمّاح و همراهانش با امام علیه السلام
۲۴۶	❖ فصل - ملاقات امام علیه السلام با عبیدالله بن حرّ جمفی
۲۵۳	❖ فصل - حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کربلا
۲۵۴	نامه ابن زیاد به حر
۲۵۶	❖ فصل - فرود آمدن امام علیه السلام در کربلا و آمدن عمر بن سعد و حوادث پس از آن
۲۵۹	سخنان اصحاب با امام علیه السلام
۲۶۱	سخنان امام علیه السلام با اهل بیت
۲۶۲	نامه ابن زیاد به امام علیه السلام
۲۶۳	تردید عمر بن سعد در رفتن به کربلا
۲۶۴	ورود عمر بن سعد به کربلا
۲۶۶	نامه عمر بن سعد به ابن زیاد
۲۶۷	سخنان ابن زیاد با مردم کوفه
۲۶۸	منع امام علیه السلام و یارانش از رسیدن به آب
۲۶۹	❖ فصل - پیشنهاد حبیب بن مظاهر به بنی اسد
۲۷۲	در طلب آب
۲۷۳	ملاقات امام علیه السلام با عمر بن سعد
۲۷۵	❖ فصل - ورود شمر به کربلا و حوادث روز تاسوعا
۲۷۵	شیطنت شمر

۲۷۶	نامه ابن زیاد به عمر بن سعد
۲۷۷	ورود شمر به کربلا
۲۷۸	امان نامه شمر به عباس و برادرانش علیه السلام
۲۷۹	محاصره امام علیه السلام و یارانش
۲۸۱	درخواست مهلت برای عبادت
۲۸۲	❖ فصل - رویدادهای شب عاشورا
۲۸۲	سخنان امام علیه السلام با یارانش
۲۸۳	پاسخ یاران به سخنان امام علیه السلام
۲۸۸	گفتگوی امام علیه السلام با خواهرش زینب علیه السلام
	❖ فصل - در وقایع روز عاشورا و منظم کردن صفهای دو سپاه و اتمام حجت
۲۹۲	حسین علیه السلام بر مردم کوفه
۲۹۲	تعداد یاران امام علیه السلام
۲۹۳	فرماندهان سپاه کوفه
۲۹۴	در یک قدمی حورالعین
۲۹۵	مناجات امام علیه السلام
۲۹۶	اتمام حجت امام علیه السلام با سپاه کوفه
۳۰۰	سخن گفتن زهیر با سپاه کوفه
۳۰۲	سخنان بریر
۳۰۳	سخنان امام علیه السلام با سپاه کوفه
۳۰۵	خطبه امام حسین علیه السلام برابر اهل کوفه
۳۱۲	❖ فصل - وصف مبارزه اصحاب امام حسین علیه السلام و شهادت آنان
۳۱۵	پیوستن حر بن یزید به امام علیه السلام
۳۱۷	سخن گفتن حر بن یزید با سپاه کوفه
۳۱۹	پرتاب اولین تیر توسط عمر بن سعد

۳۱۹	ماجرای عبدالله بن عمیر و خانواده اش
۳۲۲	نفرین امام علی (ع)
۳۲۳	شهادت بریر بن خضیر
۳۲۵	شهادت عمرو بن قرطه انصاری
۳۲۸	شهادت مسلم بن عوسجه
۳۳۳	آتش زدن خیمه ها
۳۳۴	یادآوری ابو ثمامه صاندی به نماز
۳۳۵	شهادت حبیب بن مظاهر
۳۳۷	شهادت حر بن یزید
۳۴۱	شهادت زهیر بن قین
۳۴۲	شهادت نافع بن هلال
۳۴۳	شهادت عبدالله و عبدالرحمن غفاری
۳۴۴	شهادت حنظله بن اسعد شبامی
۳۴۶	شهادت شوذب و عابس
۳۴۸	شهادت ابوالشعثاء کندی
۳۴۸	شهادت گروهی از اصحاب حسین (ع)
۳۴۹	شهادت سويد بن عمرو بن ابی المطاع
۳۵۲	عمرو بن خالد ازدی صیداوی
۳۵۳	سعد بن حنظله تمیمی
۳۵۳	عمیر بن عبدالله مذحجی
۳۵۴	مسلم بن عوسجه
۳۵۴	عبدالرحمن بن عبدالله یزنی
۳۵۴	یحیی بن سلیم المازنی
۳۵۴	قره بن ابی قره غفاری

۳۵۵	مالک بن انس کاهلی
۳۵۶	عمرو بن مطاع جعفی
۳۵۶	جون بن ابی مالک
۳۵۸	انیس بن معقل اصبحی
۳۵۸	حجاج بن مسروق جعفی
۳۵۸	جنادة بن حارث
۳۵۹	عمرو بن جنادة بن حارث
۳۵۹	جوانی که پدرش در صحنه نبرد کشته شده بود
۳۶۰	همسر و مادر شهید
۳۶۱	غلام ترک
۳۶۱	مالک بن دودان
۳۶۱	ابو ثمامه صائدی
۳۶۲	ابراهیم بن حصین اسدی
۳۶۲	عمرو بن قرطه
۳۶۲	احمد بن محمد هاشمی
۳۶۳	نام شهیدان حمله اول
۳۶۳	ماجرای زاهر مولی عمرو بن حمق
۳۶۵	کسانی که در کربلا حاضر بودند و کشته نشدند
۳۶۸	دیوان شیعیان
۳۷۴	❖ فصل - مبارزه اهل بیت امام حسین علیه السلام و شهادت آنان
۳۷۶	عروة بن مسعود تقفی
۳۷۹	شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام
۳۸۷	شهادت فرزندان عبدالله بن جعفر
۳۸۹	شهادت بقیه فرزندان عقیل

۳۹۲	شهادت فرزندان امام حسن مجتبیٰ (ع)
۳۹۷	شهادت فرزندان امیر المؤمنین (ع)
۴۰۱	شهادت مولای ما عباس فرزند امیر المؤمنین (ع)
۴۱۱	مواسات امیر المؤمنین (ع) با رسول خدا (ص)
۴۱۵	✽ تقدیل - در باره شجاعت
۴۲۰	✽ فصل - شهادت امام حسین مظلوم (ع) و طفل شیرخوار و عبدالله بن الحسن
۴۲۰	وداع امام حسین (ع)
۴۲۰	گفتگوی سکینه (ع) با پدر
۴۲۱	وصیت امام حسین (ع)
۴۲۲	دعای قدسی
۴۲۳	شهادت کودک شیرخوار (ع)
۴۲۵	عزیمت امام (ع) به سوی میدان جنگ
۴۳۱	اسب امام (ع) و نوشیدن آب
۴۳۲	وداع دوباره
۴۳۲	عاقبت جسارت نمودن به امام (ع)
۴۳۳	تعداد زخمهای امام (ع)
۴۳۴	تیر سه شاخه
۴۳۵	محاصره امام (ع)
۴۳۷	شهادت عبدالله بن الحسن (ع)
۴۳۷	نفرین امام (ع)
۴۳۹	آماده شدن امام (ع) برای شهادت
۴۴۰	فریاد زینب (ع) بر عمر بن سعد
۴۴۱	حملة دسته جمعی به امام (ع)
۴۴۳	گریه ملانکه

۴۴۲		جنایت شمر لعین
۴۴۵		روز شهادت امام علیه السلام
۴۴۶		قاتل امام علیه السلام
۴۴۷		جدا نمودن سر مطهر امام علیه السلام
۴۴۸		فریاد ناشناس
۴۴۹		نشانه‌های پس از شهادت امام علیه السلام

باب سوم

وقایع پس از شهادت آن حضرت علیه السلام

۴۵۵		فصل - غارت انگشتر و لباسها و سلاحهای امام علیه السلام
۴۵۷		شیبه اسب امام علیه السلام
۴۵۹		فصل - غارت خیمه‌ها و شیون زنان حرم
۴۶۰		آتش زدن خیمه‌ها
۴۶۱		شیون زینب علیه السلام
۴۶۳		شیون سکینه علیه السلام
۴۶۵		فصل - غارت لباسها و وسایل زنان
۴۶۶		تصمیم شمر بر کشتن امام سجاد علیه السلام
۴۶۸		تاختن اسبها بر بدن مطهر امام حسین علیه السلام
۴۷۰		فصل - وقایع عصر عاشورا از فرستادن سرهای شریف نزد ابن زیاد و غیر آن
۴۷۱		درخواست جایزه برای سر مطهر امام علیه السلام
۴۷۲		اسارت امام سجاد علیه السلام و زنان و کودکان
۴۷۳		فصل - حرکت عمر بن سعد از کربلا به سوی کوفه
۴۷۴		عبور دادن زنان بر اجساد شهیدان
۴۷۵		گفتگوی زینب علیه السلام با امام سجاد علیه السلام

۴۷۶	فصل - دفن مولایمان حسین صلوات الله علیه واصحابش
۴۸۱	فصل - ورود اهل بیت امام حسین علیه السلام به کوفه
۴۸۲	خطبه زینب علیها السلام در کوفه
	احتجاج علی بن الحسین علیه السلام هنگامی که از خیمه بیرون آمد و توییح نمودن آنان بر
۴۸۵	خیانت و پیمان شکنی
۴۸۵	خطبه امام سجاد علیه السلام در کوفه
۴۸۸	احتجاج فاطمه صغری علیها السلام بر مردم کوفه
۴۹۲	خطبه ام کلثوم علیها السلام
۴۹۵	سخن گفتن زینب علیها السلام با سر مطهر امام علیه السلام
۴۹۶	فصل - ورود اهل بیت حسین مظلوم علیه السلام به مجلس عبیدالله بن زیاد شوم
۵۰۱	زینب علیها السلام در مجلس ابن زیاد
۵۰۲	امام سجاد علیه السلام در مجلس ابن زیاد
۵۰۵	فصل - شهادت عبدالله بن عقیف از دی علیه السلام
۵۰۸	گرداندن سر مطهر امام حسین علیه السلام در کوفه
۵۰۸	گزارش شهادت امام حسین علیه السلام به شام و مدینه
۵۱۰	زیانکاری عمر بن سعد
	فصل - فرستادن ابن زیاد عبدالملک سلمی را به مدینه برای رساندن خبر قتل
۵۱۰	حسین علیه السلام و خطبه ابن زبیر در مکه
۵۱۱	رسیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام به مدینه
۵۱۴	خطبه ابن زبیر در مکه
	فصل - فرستادن عبیدالله بن زیاد سرهای مطهر و پاکان از اهل بیت از کوفه تا شام
۵۱۶	و ذکر بعضی از رویدادها
۵۱۷	گزارش واقعه کربلا به یزید
۵۱۸	اعزام اسیران به شام

۵۱۸	ماجراهای سر مطهر امام حسین علیه السلام
۵۲۲	* فصل - برخی از رویدادها در راه شام
۵۲۳	زیارتگاههای سر مطهر امام حسین علیه السلام
۵۲۶	* فصل - ورود اهل بیت علیهم السلام به شام
۵۲۷	تعجب سهل بن سعد
۵۳۰	کاروان اسیران بر درب قصر یزید
۵۳۱	گفتگوی امام سجاد علیه السلام با پیر مرد شامی
۵۳۳	اسیران اهل بیت علیهم السلام در مجلس یزید
۵۳۶	جسارت یزید ملعون به سر مطهر امام علیه السلام
۵۴۳	خطبه حضرت زینب علیه السلام
۵۴۸	نامه ابن عباس به یزید
۵۴۹	گستاخی مرد شامی
۵۵۲	خطبه حضرت سجاد علیه السلام
۵۵۵	ترسیدن یزید
۵۵۸	خواب سکینه علیه السلام
۵۶۰	خواب همسر یزید
۵۶۱	دختر خردسال امام حسین علیه السلام
۵۶۲	شگفتی دانشمند یهودی در مجلس یزید
۵۶۳	فرستاده پادشاه روم در مجلس یزید
۵۶۵	دیدار امام سجاد علیه السلام با منهل بن عمرو
۵۶۵	عزاداری زنان اهل بیت علیهم السلام در شام
۵۶۷	مبارزه فرزند امام حسن علیه السلام با فرزند یزید
۵۶۸	تظاهر یزید به پشیمانی
	* فصل - فرستادن یزید حرم حسین علیه السلام را از شام به مدینه و بیان ورود آنان به مدینه

۵۷۰	ویربایی مجالس بر حسین علیه السلام
۵۷۱	سه درخواست امام سجاد علیه السلام از یزید
۵۷۳	محل دفن سر مطهر امام حسین علیه السلام
۵۷۴	عبور کاروان اهل بیت علیهم السلام از کربلا
۵۷۵	بازگشت کاروان اهل بیت علیهم السلام به مدینه
۵۷۶	حرکت مردم به سوی کاروان
۵۷۷	خطبه امام سجاد علیه السلام هنگام بازگشت به مدینه
۵۷۹	ریاب همسر امام حسین علیه السلام
۵۸۰	چگونگی ورود اهل بیت علیهم السلام به مدینه
۵۸۱	اندوه و عزاداری بر امام حسین علیه السلام

باب چهارم

آنچه پس از شهادت ابی عبدالله الحسین علیه السلام پدیدار شد
از گریه آسمان و زمین و اهل آنها بر او و ضجه ملائکه به درگاه
خدای عزوجل در امر آن حضرت و نوحه جنیان
و آنچه از مرثیه‌ها درباره او گفته شده است

۵۸۷	* فصل - گریه آسمان و زمین و اهل آنها بر آن حضرت
۵۹۹	* فصل - شیون و ناله و گریه ملائکه به سوی خدا بر مصیبت امام حسین علیه السلام
۶۰۲	* فصل - نوحه جنیان بر امام حسین علیه السلام
۶۰۹	* فصل - بعضی از مرثیه‌ها که درباره سیدالشهداء علیه السلام گفته شده است
۶۲۸	ماجرای دعبل

باب پنجم

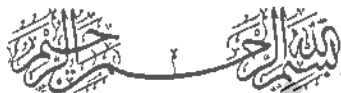
در ذکر فرزندان حسین بن علی علیه السلام و همسران او
و فضیلت زیارت او و ستم خلفاء بر قبر شریفش

- ۶۳۵ فصل - در ذکر فرزندان امام حسین علیه السلام و برخی از همسران آن حضرت
- ۶۴۲ فصل - در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام
- ۶۵۷ فصل - ستم خلفاء بر قبر شریف امام حسین علیه السلام
- ۶۶۵ خاتمه - شرح حال توأین و قیام مختار و کشتن قاتلان حسین علیه السلام
- ۶۶۷ پیدایش گروه توأین
- ۶۶۷ اجتماع شیعیان پشیمان
- ۶۷۰ نوشتن نامه به شیعیان مدائن و بصره
- ۶۷۱ تدارک قیام
- ۶۷۳ آمدن مختار به کوفه
- ۶۷۴ رفتن مختار به حجاز
- ۶۷۵ توافق مختار با ابن زبیر
- ۶۷۶ بازگشت مختار به کوفه
- ۶۷۸ دستگیری مختار
- ۶۷۹ حرکت توأین و کشته شدن آنان
- ۶۸۲ گرد آمدن نزد قبر حسین علیه السلام
- ۶۸۳ حرکت برای رویارویی با دشمن
- ۶۸۶ نبرد با سپاه شام
- ۶۸۷ کشته شدن فرماندهان توأین
- ۶۸۹ پیشنهاد عبدالله بن عوف
- ۶۹۰ بازگشت باقیمانده توأین به کوفه
- ۶۹۲ قیام مختار در کوفه

۶۹۴	 نقشه برای دستگیری مختار
۶۹۴	 استعلام از محمد بن حنفیه
۶۹۸	 پیوستن ابراهیم بن اشتر به مختار
۷۰۰	 آغاز درگیری‌ها در کوفه
۷۰۶	 پیروزی یاران مختار
۷۰۷	 فرار ابن مطیع
۷۰۷	 سخنرانی مختار
۷۰۸	 بیعت با مختار
۷۱۰	 کشتن قاتلان امام حسین علیه السلام توسط مختار
۷۱۱	 اعزام نیرو برای جنگیدن با ابن زیاد
۷۱۲	 آغاز جنگ
۷۱۳	 عقب نشینی یاران مختار
۷۱۳	 شورش بزرگان کوفه
۷۱۵	 جنگ شدید در کوفه
۷۱۷	 شکست شورشیان کوفه
۷۱۹	 کشته شدن شمر ملعون
۷۲۳	 کشتن قاتلان امام حسین علیه السلام
۷۲۴	 کشتن خولی
۷۲۵	 کشتن عمر بن سعد و چندتن دیگر که در کشتن حسین علیه السلام حضور داشتند
۷۲۶	 کشتن حکیم بن طفیل
۷۲۷	 کشتن قاتل علی اکبر علیه السلام
۷۲۸	 کشتن قاتل عبدالله بن مسلم بن عقیل
۷۲۸	 فرار چندتن از قاتلان
۷۲۹	 رفتن ابراهیم بن اشتر به جنگ ابن زیاد

۷۳۰		کشته شدن ابن زیاد
۷۳۴		ارسال سر عبیدالله بن زیاد برای مختار
۷۳۵		هلاکت یزید

www.ketab.ir



پیشگفتار

بسیاری از حوادث و وقایعی که در طول تاریخ اتفاق افتاد به دست فراموشی سپرده شد، و اگرچه مورخان سعی فراوانی در ثبت آن وقایع و حوادث داشته‌اند ولی همه مردم از آنها باخبر نشدند، و گاهی انگیزه‌ای برای آگاه شدن از آن رخدادها در خود احساس نمی‌کنند.

ولی بعضی از حوادث علیرغم گذشت سالها و گاهی قرن‌ها همچنان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و همیشه مورد توجه بوده است.

اینکه چه عواملی باعث فراموش شدن بسیاری از وقایع و حوادث و مورد توجه ماندن بعضی از آنها می‌گردد، نیاز به تحقیق دارد، ولی مسائلی که غیر قابل انکار می‌باشد این است که گاهی در بعضی حوادث عاملی فراطبیعی تأثیرگذار می‌باشد و باعث می‌شود که آن حادثه همیشه پر جاذبه و در نتیجه جاودان بماند.

واقعه طف و حادثه خونین کربلا از جمله رویدادهایی است که در میان وقایع بی‌شمار دنیا همچنان مورد توجه و پر جاذبه است.

آیا جاودانی این ماجرا را نیرویی ماوراء این عالم شهود حفظ نمی‌کند؟

آیا این حیات و زنده ماندن حادثه عاشورا و نهضت سالار شهیدان را عامل غیبی و فرا طبیعی مدد نمی‌نماید؟

علیرغم اینکه برخی دولتها و گروهها و قدرتها در طول تاریخ در صدد محو آن برآمدند و در این راستا تلاش فراوان و سعی وافری نمودند، اما نه تنها از خاطره‌ها محو نشد بلکه بر عظمت و شکوه و جلال آن افزوده گردید.

وَمَصَائِبُ الْآيَامِ تَجَنُّ مُدَّةً وَتَزُولُ وَهِيَ إِلَى الْقِيَامَةِ بَاقِيَةٌ^(۱)

و این یادآور سخن رسول خدا ﷺ است که فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»^(۲).

و یادآور سخن عقیله بنی هاشم صدیقه صغری زینب کبری ؑ است که به برادرزاده اش امام سجاد ؑ فرمود: «يَتَصَبُّونَ لِهَذَا عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ ﷺ لَا يَنْدَرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْآيَامِ، وَلَيَجْتَهِدَنَّ أَيْمَةُ الْكُفْرِ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَتَطْمِيسِهِ فَلَا يَزِدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُورًا وَأَثَرُهُ إِلَّا عُلُوًّا»^(۳).

مؤلف

مؤلف کتابی که اکنون ترجمه اش عرضه می گردد، محدث بزرگوار و فرزانه عالی مقدار ناشر علوم خاندان عصمت و طهارت و مبلغ احادیث پیامبر اکرم ﷺ و عترت، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ؒ معروف به محدث قمی می باشد.

آن بزرگوار در یکی از تألیفات^(۴) خود تحت عنوان «عباس بن محمد رضا بن ابی القاسم القمی» به تاریخ ولادتش و شرح تألیفاتش پرداخته و می گوید: «ولادتم ظاهراً سنه ۱۲۹۴ و تألیفتم تاحال - که سنه ۱۳۳۳ است و سنین عمرم در حدود چهل است - بر چهار قسم است: قسم اول - کتابهایی که چاپ شده و نسخه اش منتشر شده است...»، سپس به ذکر کتابهایی که تا آن تاریخ از او چاپ شده می پردازد، که کتاب «نفس المهموم» را در آثار چاپ شده اش ذکر کرده است، که کتاب حاضر ترجمه آن می باشد.

۱. «مصیبت های روزگار تا مدتی باقی می ماند؛ سپس فراموش می گردد، ولی این مصیبت (حادثه کربلا) تا روز قیامت باقی خواهد ماند».

۲. «در دل های مؤمنان برای کشته شدن حسین گرمی و حرارتی است که هرگز به سردی تبدیل نشود».

۳. «علم و پرچمی در سرزمین طف برای قبر پدرت سیدالشهداء نصب کنند که اثر آن کهنه و مندرس نگردد و نشانه آن با سیری شدن شبها و روزها از میان نرود، و پیشوایان کفر و پیروان گمراه آنان تلاش و کوشش فراوان برای محو آن نمایند اما آن تلاش ها بر روشنی و ظهورش بیفزاید و او را برتر و بالاتر گرداند».

۴. فوائد الرضویه: ۲۲۰.

و فرزند آن مرحوم در پارقی ادامه داده و می‌گوید: مرحوم مؤلف در شب بیست و سوم ذیحجه الحرام سنه ۱۳۵۹ به سن ۶۵ سالگی از دنیا رفت و در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در ایوان سوم از ایوانهای شرقی باب القبله در کنار استادش مرحوم محدث نوری رحمه الله علیه مدفون گردید^(۱).

مؤلف مرحوم محبت زیادی به خاندان پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشت، و همان گونه که از آثار به جای مانده از آن محدث بزرگ مشهود می‌باشد این است که او تلاش و سعی خود را در راستای احیاء و نشر علوم و فضائل و مناقب پیامبر و عترت طاهرینش علیهم السلام مبذول داشته است، و در مقابل خداوند توفیقات فراوانی را در نشر معارف و اخبار و احادیث عترت طاهره به او عطا کرد و عنایت خاصی را نسبت به او مرحمت نمود که در این عمر شصت و پنج سال آثار و تألیفات بسیار پر برکت و مفیدی را از خود به جای گذاشت. و تمام آثاری که من از او دیدم گواه بر محبت خالصانه او نسبت به پیامبر و خاندان مکرمش می‌باشد، و از باب نمونه در کتاب «نفس المهموم» یعنی همین اثر که در مقتل سالار شهیدان تألیف کرده است در آن چایی که در زمان حیات خود مؤلف منتشر شده است پیش از شروع متن کتاب مرقوم داشته است: «السلام عليك يا ابا عبدالله ورحمة الله وبركاته، يا ايها العزيز مستنا وأهلنا الضر وجننا ببضاعة مزجاة فأوف لنا الكيل وتصدق علينا ان الله يجزي المتصدقين».

أَرْجُو نَجَاتِي مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ	يَا عِتْرَةَ الْمُخْتَارِ يَا مَنْ بِهِمْ
وَسِرُّ وَدِّي فِي هَوَاكُم مُّقِيمِ	حَدِيثِ حُبِّي لَكُمْ سَائِرِ
صِرَاطُ دِينِي بِكُمْ مُسْتَقِيمِ	قَدْ قُزْتُ كُلَّ الْقَوْرِ إِذْ لَمْ يَزَلْ
فَقَدْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبِ سَلِيمِ	فَمَنْ آتَى اللَّهَ بِعِزِّكُمْ

کتبه فی جوار الروضة الرضویة علی من ثوی بها آلاف السلام والتحية. حرره الاحقر عباس القمي».

که این خود گواه بر ولاء و علاقه شدید و اخلاص و ارادت بی شائبه آن مرحوم نسبت به

خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است، حشره الله مع اولیائه الأبرار الأخیار.

تألیف

در طول تاریخ درباره واقعه غم‌انگیز عاشورا و نهضت و مقتل سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران با وفایش مطالبی به شکل مجموعه‌ای مستقل و یا در ضمن تألیفاتی گردآوری شده، تحریر و تدوین و تألیف و نگاشته شده است. مجموعه‌ای که در رابطه با قیام و نهضت کربلا به رشته تحریر درآمده است بسیار زیاد و فراوان می‌باشد.

آنچه باعث گردآوری و تدوین و تألیف این آثار به جای مانده از زمان وقوع حماسه عاشورا تا به امروز شده است، اسباب و علتهای گوناگونی بوده است که به برخی از آنها می‌توان بطور خلاصه اشاره کرد:

۱- اهمیت واقعه کربلا.

۲- محبت و علاقه گردآورندگان نسبت به خامس آل عبا و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله.

۳- نشان دادن چهره‌کسانی که با اسم اسلام به نبرد و مبارزه پرداختند.

۴- تبیین و شرح ستم و ظلم‌هایی که بر خاندان پیامبر روا داشته شد علیرغم سفارش‌هایی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله درباره عترت نموده بود.

۵- احیاء ذکر و یاد و نام و مصیبت حادثه جانسوز عاشورا که ائمه اطهار علیهم السلام بر آن اصرار داشتند.

این امور و غیر آنها موجب گردآوری و به رشته تحریر درآوردن رویداد عاشورا و حماسه بزرگ کربلا گردید.

هر گردآورنده و مؤلفی با سلیقه و انتخاب خود و از آن زاویه‌ای که به ابعاد مختلف حادثه و نهضت امام علیه السلام و یارانش نگریسته است، اقدام به جمع‌آوری و تدوین آن نموده است، که هر کدام از آنها در جای خود ارزشمند بوده، و سعی و تلاش آنها در گردآوری و تدوین آن وقایع در خور تحسین و ستایش است.

در میان این آثار فراوان و مجموعه‌های گردآوری شده در رابطه با مقتل امام حسین (علیه السلام) و یارانش، کتاب و تألیف ارزشمند و نفیس مرحوم محدث قمی (رحمه الله) از جایگاه ویژه و موقعیت خاصی برخوردار است و دارای ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - جامعیت این اثر نسبت به دیگر آثار گردآوری شده در رابطه با مقتل امام حسین (علیه السلام)، که خواننده آن و مراجعه کننده به آن از رجوع به دیگر مصادر تاریخی و منابع که در زمینه مقتل نوشته شده غالباً بی‌نیاز می‌گردد، زیرا به ندرت مطلبی قابل توجه و حائز اهمیت مربوط به رویداد کربلا می‌باشد که مؤلف مرحوم آن را ذکر نکرده و یا به آن اشاره ننموده باشد.

۲ - تمام مطالبی که مؤلف در این کتاب گرد آورده است، مستند می‌باشد، و خود مؤلف خود غالباً به مأخذ و مصادر آن در اول کتاب و در ابتدای نقل به آن اشاره نموده است. او در مقدمه کتاب می‌گوید:

«معلوم باشد که این احقر مطالب این مقتل شریف را به کد اکید و تعب شدید از کتب معتبره و تواریخ معتمد گردآوری نموده و در سلک انتظام کشیدم و در نهایت اتقان و احکام نگاشتم چنانکه بر اهلس پوشیده نیست، و گاه گاهی در بعضی فقرات در فوق آنها رمزی نهادم که معلوم باشد از کجا اخذ شده و آن رمزها چنین است:

د = لارشاد المفید

ف = للملهوف

ط = لتاریخ الطبری

مل = لکامل التاریخ لابن الاثیر الجزری

قب = لمناقب ابن شهر آشوب

ج = لمقاتل الطالبیین لأبی الفرج

مح = لمحمد بن ابی طالب فی مقتله^(۱)

۱. البته در چاپهای جدید به جای این رمزها، نام کتابها آمده است.

رجاء واثق و امید صادق از دوستان حضرت سیدنا و مولانا ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه که هر که بر عثره‌ای برخوردند عفو و اغماض فرمایند و هرگاه خواستند از این کتاب فایده یا مطلبی نقل کنند بلا واسطه از آن کتاب منقول نمایند بلکه اسم این کتاب را در اول آن ببرند و ذکر کنند که از نفس المهموم نقل شده چه آنکه من دوست دارم که این کتاب شریف در جزء مقاتل محسوب شود و اهل منابر این داعی را در نظر داشته باشند و از دعا فراموشم نفرمایند».

۳- پرهیز از نقل مطالب واهی و ضعیف که مأخذی ندارد و یا در کتابهای مورد استناد و معتبر نیامده است، چنانکه مؤلف خود به نقل از کتابهایی مورد اعتماد و اعتبار اشاره کرده است.

۴- دقت در نقل و امعان نظر در ذکر مطالب از منابع و مصادری که نقل با مأخذی که از آن نقل شده است مطابق بوده، و اگر در آن نسخه بدل وجود داشته باشد آن را ذکر نموده است.

۵- در برخی از موارد که مطلبی را مؤلف مرحوم از منبعی نقل کرده است پس از آن با عبارتهای «می‌گویم» و یا «مؤلف گوید» و یا «تذیل» و نظیر آن به توضیح و تبیین آن مطلب پرداخته است، که حاکی از احاطه و اشراف مؤلف مرحوم به امور مربوط به آن مطلب نقل شده می‌باشد.

نام تألیف

نام کتاب را مؤلف مرحوم «نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم علیه صلوات الله الملك الحي القيوم» قرار داده است، و این نام همانگونه که مؤلف به آن اشاره کرده است از حدیث مأثور از حضرت صادق علیه السلام اقتباس گردیده که فرمود: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ يُظْلَمُنَا تَسْبِيحٌ وَهَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَكِثْمَانُ آخِرِنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۱).

و خود مؤلف در آغاز کتاب همین حدیث را از ابان بن تغلب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام

نقل نموده است، بنابراین نام کتاب برگرفته از صدر این حدیث می‌باشد.

تاریخ تألیف

مؤلف مرحوم در تقسیم آثار خود ابتدا به ذکر آن دسته از آنها پرداخته که چاپ و منتشر شده است که نزدیک به سی اثر چاپ شده می‌باشد، که از آن جمله کتاب «نفس المهموم» و «نفثة المصذور» است که این آثار تا تاریخ ۱۳۳۳ هجری قمری که قریب چهل سال از عمر مؤلف مرحوم سپری شده بوده است چاپ و منتشر گردیده بود، و بالطبع کتاب نفس المهموم قبل از این تاریخ به رشته تحریر درآمده و تألیف گردیده است. و در پایان کتاب می‌گوید: قد تمّ کتاب «نفس المهموم فی مقتل الحسین المظلوم فی عصر يوم الجمعة العشرين من جمادی الاخره سنة ۱۳۳۰ وهو يوم ولادة سيدتنا فاطمة الزهراء علیها السلام صلوات الله علیها وعلی ائبیها وبعلمها وبنیها بید مؤلفه المجرم المسیء عباس بن محمدرضا القمی عفی الله عن جرائمها مقابلاً للقبّة المطهرة الرضویة علی صاحبها آلاف التسلیم والتحية، والحمد لله اولاً وآخرأ وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین».

بنا بر این با توجه به اینکه خود مؤلف مرحوم در سال ۱۳۳۳ هجری قمری تصریح می‌نماید که کتاب نفس المهموم از جمله کتابهایی که چاپ و منتشر شده است بایستی زمان تألیف آن همان ۱۳۳۰ صحیح باشد، و اگر در برخی موارد خلاف آنچه مذکور شد استفاده می‌شود ظاهراً درست نباشد، والله العالم.

ترجمة کتاب

کتاب «نفس المهموم» به سبب ویژگی‌ها و مزایایی که نسبت به دیگر تألیفات پیرامون مقتل امام حسین علیه السلام و یارانش، دارد، چندین بار متن عربی و ترجمه فارسی آن چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است، و علیرغم گذشت حدود یک قرن از تألیف آن می‌گذرد همواره مورد توجه بوده است، هم به سبب مزایای خود کتاب و هم به جهت

اخلاصی که مؤلف مرحوم در تألیف آن داشته است، از این رو چندین بار توسط مترجمان گرانقدر به زبان فارسی ترجمه گردیده است که تلاش و کوشش آنان در ترجمه این اثر نفیس مورد تقدیر و سپاس است.

اما اقدام ما به ارائه ترجمه‌ای دیگر به زبان فارسی از این اثر ارزشمند بدین علت بود که فرزند بزرگوار مؤلف، حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای میزرا محسن محدث‌زاده اطال الله بقائه بر ترجمه‌ای دیگر از کتاب والد بزرگوارشان نظر داشتند و از این بنده خواستند که به انجام آن اقدام نموده و ترجمه نمایم، و این حقیر حسب امر معظم له اقدام به ترجمه آن نمودم و امید آن دارم که توانسته باشم در انعکاس مطالب مندرج در کتاب «نفس المهموم» و ترجمه آن انجام وظیفه کرده و امتثال امر نموده باشم.

اما اموری که در ترجمه تا حد امکان مورد توجه بوده است بدین قرار می‌باشد:

۱ - در این ترجمه از اصل متن که در زمان حیات و مؤلف مرحوم به چاپ رسیده و منتشر شده بود، بیشتر بهره گرفته شده است، و خود مؤلف رحمه الله در آخر کتاب «نفس المهموم» که در سال ۱۳۵۰ هجری قمری چاپ و منتشر شده و به صورت چاپ سنگی است مرقوم داشته است: «حق طبع و نشر این کتاب مستطاب محفوظ و مخصوص است به جناب مستطاب آقا شیخ مهدی القمی سنه ۱۳۵۰ وانا الاحقر عباس بن محمدرضا القمی». و شخص مذکور که چاپ و نشر کتاب توسط مؤلف مرحوم به او واگذار شده است در پاورقی کتاب در آخرین صفحه این‌گونه مرقوم داشته است: «هو الموفق والمعین، چون نسخه شریفه «نفس المهموم» سابقاً طبع شده برای ریختگی آن، مطبوع طبع آقایان عظام نشده، لذا این حقیر سراپا تقصیر برای ذخیره روز قیامت و امید شفاعت از شفیعه محشر به معاونت چند نفر از برادران دینی مجدداً کتاب شریف را مکرر در مکرر تصحیح نموده به طبع رساندم، امید است آقایان عزیز زمان مطالعه این حقیر را از دعا فراموش نفرمایند. العبد المذنب مهدی القمی».

بنا بر این ترجمه کتاب از متن اصلی اصلاح شده‌ای صورت گرفت که در زمان مؤلف مرحوم چاپ و منتشر شده است.

۲- به مقداری که ممکن بوده دقت و کوشش شده تا ترجمه روان و گویا و بدون اجمال و ابهام و منعکس کننده مفهوم و مقصود و مراد باشد.

۳- متن عربی برخی از عبارتها در بعضی ترجمه‌ها ذکر شده ولی ترجمه نگردیده است، در این ترجمه آنها نیز ترجمه شده که خوانندگان بتوانند از آنها بهره‌مند شوند.

۴- ترجمه اشعار عربی که در متن کتاب ذکر شده، به استثناء قصیده‌هایی که مؤلف در فصل مرثیاتی ذکر کرده است.

۵- در پاورقی هر صفحه مصادری که مؤلف مرحوم مطلبی را از آنها در کتاب نقل کرده، با شماره صفحه و جلد ذکر شده است.

۶- اقدام به ترجمه تمام متن کتاب و مطالبی که مؤلف در این مجموعه آورده بدون زیاده و یا کاستن، که امانت در نقل ایجاب می‌کرده است.

۷- خودداری از هرگونه اظهار نظر، نقد، تحلیل نسبت به مطالب مندرج در کتاب، و تنها به ترجمه متن و بیان مطالب ذکر شده بسنده شده است.

۸- بهره‌گیری و استفاده از برخی متون و مصادر برای اینکه ترجمه مطابق با اصل و مؤدّی مفهوم و معنی و مراد باشد.

در پایان با توجه به آنچه از بعضی منسوبین محترم به مؤلف مرحوم شنیدم که می‌فرمود: مرحوم آية الله العظمی حائری اعلی الله مقامه به خواندن این اثر ارزشمند توصیه می‌فرمودند، امید است ترجمه این مجموعه نیز مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد و اگر کاستی و نقصی در ایفاء مراد و مقصود مشاهده نمودند، این بنده را مورد عفو قرار داده و از دعای خیر فراموش ننمایند. انه قریب مجیب.

علی نظری منفرد

[مقدمه مؤلف]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يعلم عجيج الوحوش في القلوات، ومعاصي العباد في الخلوات، واختلاف النينان^(۱) في البحار الغامرات، وتلاطم الماء بالرياح العاصفات. والصلاة والسلام على سيد الكائنات وأفضل أهل الارض والسموات محمد المبعوث بالمعجزات الباهرات والآيات اليبينات وعلى آله الطاهرين المظلومين مصاييح الظلمات وعصم الأمة من الهلكات، سيما الامام المظلوم الشهيد قتيل العبرات وأسير الكريات حسين مصباح الهدى وسفينة النجاة.

وبعد، مجرم گنهکاری که تمسک به ذیل عنایت اهل بیت رسالت جسته عباس فرزند محمدرضا قمی که خداوند سعادت و نیکی برای هر دو مقرر گرداند، می گوید: پیوسته در این اندیشه بودم که مختصری را در مقتل مولایمان حسین علیه السلام گرد آورم و در آن ذکر کنم چیزی را که به آن اعتماد می نمایم از آنچه از ثقات به من رسیده است و آنچه به سند من به روایات راویان متصل می باشد، تا در زمره نوحه کنندگان بر سید مظلومان ابو عبدالله علیه آلاف الصلاة والتسليمات درآیم.

ولی مسائلی از رسیدن به مراد مانع شد و شغل هایی از رسیدن به هدف حائل گردید، تا اینکه خدای تعالی بر من منت نهاد که مشرف به زیارت مرقده شریف مقدس طاهر شدم که محل هبوط ملائکه الله و معدن رضوان الهی می باشد، و آن باغی از باغهای بهشت است و در آن امام متقیان و پاره تن رسول الله استقرار یافته، ضامن غریبان و مساکین، ثامن ائمه معصومین، سید انس و جن که در زمین غربت دفن گردیده،

۱. نینان: جمع نون به معنی نهنگ. (مؤلف)

مولای مظلوم و امام مسموم ما، حجت خدا بر جمیع خلائق، سلطان ابوالحسن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین، پس به سعادت عتبه بوسی آن امام نائل آمدم و در زمره مجاورین این روضه شریفه گردیدم و دست سؤال به سوی حضرتش دراز کرده و بسا تضرع و ابستعال از آن حضرت خواستم تا مرا موفق کند به مراد خود که منتهای آرزوها است برسم.

سپس از خدای کبیر متعال طلب خیر کرده و با عجله شروع به تألیف این کتاب نمودم، و آن را جمع آوری کردم از کتابهای معتبری که می توان بر آنها اعتماد و استناد نمود و به آنها مطمئن شد، مانند:

ارشاد شیخ بزرگوار، فخر شیعه و محیی شریعت، ملهم حق و دلیل آن، روشنگر دین و راهنمای آن، شیخ مشایخ و رئیس رؤسای ائمت، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان ملقب به مفید رحمه الله که به سبب شهرت زیاد از مدح و توصیف بی نیاز است، و هرچه درباره او گفته شود کمتر از مرتبه اوست، که در سال ۴۱۳ در بغداد وفات کرد و در پایین پای حضرت ابو جعفر جواد علیه السلام در بقعه کاظمیه مدفون گردید.

و کتاب **اللهوف علی قتلی الطفوف** که از سید اجل اورع، از هدا اسعد، قدوة العارفين و مصباح المتجهدين، صاحب کرامات باهره و مناقب فاخره، رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس حسنی قدس الله سره و رفع فی الملاء الاعلی ذکره، متوفای سال ۶۴۴ در بغداد.

و کتاب **تاریخ** از مورخ کامل ابو جعفر محمد بن جریر طبری، متوفای سال ۳۱۰ در بغداد، و او کسی است که محمد بن خزیمه که معروف به «امام ائمه» است در حق او گوید: من روی زمین کسی را نمی شناسم که علمش بیش از او باشد^(۱).

۱. در حق ابو جعفر طبری گفته اند: او کتابهای زیادی نوشت و در مدت چهل سال هر روز چهل ورقه می نوشت، و ورقهای کتابهای او را تقسیم کردند بر سالهای زندگی او از زمان بلوغ تا هنگام مرگ، معلوم شد که هر روز چهارده ورقه نوشته بود. روزی به اصحاب خود گفت: دوست دارید تفسیر قرآن بنویسم؟ گفتند: چند ورق می شود؟ گفت: سی هزار ورقه. گفتند: عمر انسان قبل از به پایان بردن آن تمام می شود.

و تاریخ کامل از مورخ نسابه، حافظ علامه، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم محمد معروف به ابن اثیر جزری^(۱)، متوفای سال ۶۳۰ در موصل.

و مقاتل الطالبیین از شیخ مورخ، نساب ماهر، ادیب برجسته، علی بن حسین قرشی اموی معروف به ابوالفرج اصفهانی زیدی که در سال ۳۵۶ در بغداد وفات یافت.

و مروج الذهب و معادن الجواهر از مورخ امین و مورد اعتماد فریقین، شیخ عالم کامل، مطلع خبیر، ماهر فاضل، ابوالحسن علی بن حسین بن علی هذلی امامی معروف به مسعودی، معاصر ابوالفرج اصفهانی، بلغه الله فی الجنان الی منتهی الامانی^(۲).

و تذکرة خواص الأمة فی معرفة الائمة از شیخ عالم فاضل، مورخ کامل، وحید عصر خود و عزیز مصر خود، ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی^(۳) بغدادی معروف به سبط ابن جوزی، متوفای سال ۶۵۴ و مدفون در کوه قاسیون دمشق.

و مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول از شیخ عالم فاضل، ادیب کامل، کمال الدین محمد بن طلحة شافعی^(۴).

و النصول المهمة فی معرفة الائمة از شیخ نورالدین علی بن محمد مکی، معروف به ابن صباغ مالکی، متوفای سال ۸۵۵.

و کشف الغمة از شیخ فاضل نبیل، محدث ثقة جلیل، بهاء الدین ابوالحسن علی بن عیسی اربلی امامی قدس الله روحه، که در سال ۶۸۷ از تألیف آن فارغ گردید.

و العقد الفرید از شیخ شهاب الدین ابو عمرو احمد بن محمد قرطبی اندلسی مالکی،

پس طبری آن را در سه هزار وقف خلاصه کرد. سپس گفت: دوست دارید تاریخ جهان از آدم تا زمان ما را بنویسم؟ گفتند: چند ورق می‌شود؟ گفت: به اندازه تفسیر می‌باشد. پاسخ او را مثل اول دادند. گفت: خداوند همت‌ها را میرانده است. پس آن را همانند تفسیر مختصر کرد. و طبری منسوب است به «طبری» و آن شهری در شام است، اینگونه در عقبات آمده است. (مؤلف)

۱. جزری به رفتح جیم و زاء منسوب به جزیره ابن عمر می‌باشد، و آن مدینه‌ای است در کنار دجله و نزدیک موصل است در عراق، و ابن اثیر در آنجا متولد شده است. (مؤلف)

۲. متوفای سال ۳۴۶.

۳. کلمه ترکی است و معنای آن فرزند دختر است.

۴. متوفای سال ۶۵۶.

معروف به ابن عبد ربّه، فاضل محدث، ادیب اریب، متوفای سال ۳۳۸، و این کتاب از کتابهای سودمند است که از هر چیز برخوردار است.

و کتاب المناقب از شیخ اجل، احیاء کننده آثار مناقب و فضائل، دریای متلاطم زخّاری که ساحل ندارد، قطب محدثین و شیخ مشایخ آنان، رئیس علماء و فقیه آنان، سید الملة والدین، عالم ربّانی محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی عطر الله مرقدہ، متوفای سال ۵۸۸ و مدفون در کوه جوشن در حلب نزد مشهد سقط^(۱) محسن بن ابی عبدالله الحسین السبط سلام الله علیهما.

وروضة الواعظین از شهید سعید، عالم فاضل، نبیل جلیل، حافظ واعظ، ابو علی محمد بن الحسن بن علی فارسی، معروف به فتّال نیشابوری^(۲)، یکی از مشایخ ابن شهر آشوب رضوان الله علیهما.

ومثیر الاحزان از شیخ جلیل، عالم کامل فقیه، نجم الدین جعفر بن محمد حلّی، معروف به ابن نما، یکی از مشایخ آیه الله علامه حلّی رضوان الله علیه و رفع فی الملاء الأعلی ذکره.

والکامل البهائی فی السقیفة از شیخ عالم، عامل ماهر، فقیه مطلع، متکلم جلیل، محدث نبیل، عماد الدین حسن بن علی بن محمد طبری، معاصر محقق و علامه، رفع الله مقامه، این کتاب را برای بهاء الدین محمد بن شمس الدین جوینی مشهور به صاحب دیوان تألیف کرده و در سال ۶۷۵ از آن فارغ شده است.

وروضة الصفا فی سیر الانبیاء والملوک والخلفاء از مورخ کامل، مطلع ماهر، محمد بن خاوند شاه، متوفای سال ۹۰۳.

وتسلیة المجالس، کتاب بزرگی در مقتل است، از سید عالم فاضل، محمد بن ابی طالب موسوی حسینی حائری رضوان الله علیه.

و غیر آنها از دیگر مقاتل.

۱. از مشهد سقط هنگام بردن اهل از بیت اطهار علیهم السلام از کوفه به شام سخن خواهیم گفت. (مؤلف)

۲. متوفای سال ۵۰۸.

و من نقل می‌کنم از مقتل این سید جلیل توسط جلد دهم از بحار الانوار.

و از مقتل کلینی توسط تذکره سبط و تاریخ طبری.

و از مقتل ابی مخنف از دی توسط طبری.

و از سید ابن طاووس رحمه الله تعبیر به «سید» می‌کنم؛ و از ابن اثیر به «جزری»؛ و از محمد بن جریر طبری به «طبری»؛ و از ابی مخنف به «ازدی». و اینکه از ابی مخنف تعبیر به ازدی می‌نمایم نکته‌ای دارد و آن اینکه در اذهان خطور نکند که ابو مخنف همان مقتلی است که با کتاب دهم بحار چاپ شده، زیرا نزد من ثابت شده که این کتاب مقتل ابی مخنف معروف نیست برای اینکه ابو مخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف ازدی غامدی شیخی از اصحاب اخبار در کوفه بوده و چیزهایی که او نقل کرده و از حضرت جعفر بن محمد الصادق رحمه الله روایت نموده مورد اطمینان است، و پدر او از اصحاب امیر المؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام بوده است، و ابو مخنف کتابهای زیادی در سیره‌ها دارد از آن جمله مقتل الحسین علیه السلام که بزرگان دانشمندان از آن نقل کرده و بر آن اعتماد کرده‌اند، و کسی که به تاریخ طبری مراجعه کند می‌داند اکثر آنچه را طبری در مقتل الحسین علیه السلام نقل کرده از مقتل ابی مخنف گرفته است. و اگر تأمل نماید در این مقتل که منسوب به ابی مخنف است و آنچه که طبری و غیر او از مورخین نقل کرده‌اند و با یکدیگر مقابله نماید می‌داند که این مقتل از او نیست، بلکه از هیچ یک از مورخین مورد اعتماد نمی‌باشد. بنابر این من بر آنچه این مقتل به تنهایی نقل کرده اعتماد نمی‌کنم.

و این کتاب شریف را به چند باب و خاتمه‌ای تقسیم نمودم، و مقدمه‌ای پیش از ابواب آوردم؛ و آن را «نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم علیه صلوات الله الملك الحي القيوم» نام نهادم، و از خدای تعالی مسئلت می‌نمایم که توفیق به پایان بردن آن را به من بدهد و مرا فائز به سعادت پایان آن بگرداند، و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه اُنیب.

مقدمه

در ولادت مولای ما حسین مظلوم علیه السلام

بدان که گفته‌های علما و محدثین و مورخین از فریقین در روز ولادت مولای ما حسین علیه السلام و ماه و سال آن اختلاف دارد:

گفته شده در سوم شعبان، و گفته شده پنجم آن، و گفته شده پنجم جمادی الاولی سال چهارم هجرت؛ و نیز گفته شده آخر ماه ربیع الاول سال سوم هجرت، و این قول را شیخ ابو جعفر علیه السلام در تهذیب و شیخ شهید در دروس و بهائی در توضیح المقاصد نقل کرده‌اند، و این موافق نقلی است که ثقة الاسلام کلینی عطا الله مرقدہ از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود: بین حسن و حسین علیه السلام طهری بوده است، و بین آن دو در ولادت شش ماه و ده روز فاصله بوده است^(۱).

مؤلف گوید: مقصود حضرت از «طهر» مقدار اقل زمان طهر است که ده روز می‌باشد، و ولادت حضرت حسن علیه السلام در نیمه ماه رمضان سال جنگ بدر یعنی دوم هجرت بوده است.

و نیز روایت شده که: بین حسن و حسین علیه السلام فاصله نبوده مگر یک طهر، و مدت حمل حسین علیه السلام شش ماه بوده است^(۲).

و در مناقب ابن شهر آشوب از کتاب انوار آمده است: خدای تعالی به نبی گرامی صلی الله علیه و آله برای حمل حسین علیه السلام و ولادت او تبریک، و به خاطر قتل او تسلیت گفت: فاطمه علیها السلام باخبر شد و ناراحت گردید، پس این آیه نازل گردید: «حَمَلَتْهُ أُمُّ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»

۱. کافی: ۱/ ۴۶۴؛ تهذیب: ۶/ ۴۱؛ الدروس - کتاب المزار: ۲؛ توضیح المقاصد: ۶.

۲. بحار الانوار: ۴۳/ ۲۴۷ به نقل از تفسیر قمی: ۶۲۱.

وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ فَلَا تُؤْنُ شَهْرًا»^(۱) «مادرش بارنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود، و مدت حمل و شیرخواری او سی ماه تمام بوده، دوران حمل زنان نه ماه است، و نوزادی شش ماهه به دنیا نیامده که زنده بماند به جز عیسی و حسین علیهما السلام^(۲) .

مؤلف گوید: احتمال قوی می‌دهم که عبارت «یحیی و حسین» در روایت باشد، زیرا یحیی و حسین علیهما السلام در چیزهایی شبیه بودند از جمله در مدت حمل. و نیز در خبر آمده است که مدت حمل یحیی شش ماه و همچنین حمل حسین علیهما السلام، و اما مدت حمل عیسی علیهما السلام در روایات زیادی آمده که نه ساعت بوده، هر ساعت یک ماه، و اعتبار هم با آن مساعد است.

صدوق رحمه الله با سند خود از صفیه دختر عبدالمطلب نقل کرده است که گفت: هنگامی که حسین علیهما السلام از مادر متولد شد من در آنجا در زایمانش کمک می‌کردم، نبی گرامی ﷺ فرمود: ای عمه! فرزندم را بیاور.

گفتم: ای رسول خدا! من او را پاکیزه نکردم.

فرمود: ای عمه! تو می‌خواهی او را پاکیزه کنی؟ همانا خدای تعالی او را پاک و پاکیزه نموده است^(۳).

و در روایت دیگری: حسین علیهما السلام را به نبی گرامی ﷺ داد، پیامبر ﷺ زبان خود را در دهان او گذاشت و حسین علیهما السلام آن را می‌مکید؛ صفیه گفت: من نمی‌پندارم رسول خدا غذایی به جز غسل و شیر به او داده باشد.

و گفت: پس حسین علیهما السلام ادرار نمود، رسول خدا ﷺ در حالی که گریان بود میان دو چشم او را بوسید و به من داد و فرمود: خدا لعنت کند کسانی که تو را می‌کشند ای فرزندم! این را سه مرتبه فرمود.

صفیه گوید: به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت، چه کسی او را می‌کشد؟

۱. سورة احقاف: ۱۵.

۲. مناقب ابن شهر آشوب: ۵۰/۴.

۳. بحار الانوار: ۲۴۳/۴۳.

فرمود: باقیماندگان از گروه ستمگر و طغیان گر بنی امیه، خدا آنان را لعنت نماید^(۱).
و روایت شده که: پیامبر ﷺ در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفت.

و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام نقل شده است که: پیامبر ﷺ در همان روز ولادت در گوش حسین علیهما السلام اذان گفت^(۲).

و در روایت دیگری: در روز هفتم ولادت او پیامبر ﷺ برای او گوسفندی عقیقه کرد، و یک ران از آن گوسفند و دیناری را به قابله داد، سپس سر حسین علیهما السلام را تراشید و به مقدار آن تصدق کرد و سر او را با خلوق معطر نمود^(۳).

کلینی در حدیثی روایت کرده است که: حسین علیهما السلام نه از حضرت فاطمه علیها السلام و نه از هیچ زن دیگری شیر نخورد، بلکه او را نزد نبی اکرم ﷺ می آوردند و آن حضرت انگشت ابهام خود را در دهان او می گذاشت و حسین می مکید به مقداری که برای دو یا سه روز او کافی بود، پس گوشت حسین علیهما السلام از گوشت و خون رسول خدا ﷺ روئید^(۴).

صدوق رحمه الله از حضرت صادق علیهما السلام نقل کرده است که فرمود: هنگامی که حسین بن علی علیهما السلام متولد شد خدای تعالی به جبرئیل علیهما السلام امر کرد که با هزار ملک نزد رسول خدا ﷺ آیند و به آن حضرت از طرف خدا و خود تبریک گویند. جبرئیل فرود آمد و بر جزیره ای از دریا گذشت که در آنجا ملکی بود به نام «فطرس» که از جمله حاملان به شمار می رفت، خدا او را برای انجام کاری فرستاده و او کندی و تأخیر کرده بود و به

۱. بحار الانوار: ۴۳/۲۴۳. و در بحار الانوار: ۴۳/۲۸۷ به نقل از مناقب روایت شده که ام الفضل همسر عباس حسین علیهما السلام را حضانت می نمود و می گفت:

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنَ كَثِيرِ الْجَاهِ
فَرْدًا يَلَا أَشْبَاهَ أَعَادَةَ إِلَهِي
مِنْ أُمَّمِ الدَّوَاهِي

۲. بحار الانوار: ۴۳/۲۳۹ به نقل از عیون اخبار الرضا.

۳. بحار الانوار: ۴۳/۲۴۰ به نقل از عیون اخبار الرضا.

۴. کافی: ۱/۴۶۵.

همین علت بال او را شکسته و در آن جزیره انداخت، هفتصد سال خدا را عبادت کرد تا حسین بن علی (علیه السلام) متولد شد، پس آن ملک به جبرئیل گفت: به کجا می روی؟ جبرئیل گفت: خدای تعالی به محمد (صلی الله علیه و آله) نعمتی عطا کرده، من برای تبریک از جانب خدا و خودم نزد پیامبر می روم.

آن ملک گفت: مرا با خود ببر شاید محمد (صلی الله علیه و آله) برای من دعا کند. جبرئیل او را با خود برد، چون نزد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد و تبریک و تهنیت گفت ماجرای فطرس را مطرح کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به او بگو خود را به این نوزاد بمالد و به جای خود بازگردد.

پس فطرس خود را به حسین بن علی (علیه السلام) مالید و برخاست و گفت: ای رسول خدا! اُمّت تو این فرزندان را خواهند کشت، ولی من در عوض این لطف تعهد می کنم کسی او را زیارت نکند مگر اینکه او را باخبر سازم، و کسی به او سلام نکند مگر اینکه سلام او را برسانم، و هیچ کس بر او درود نفرستد مگر اینکه آن را به او ابلاغ کنم. و سپس بالا رفت^(۱).

و در روایت دیگری آمده است: فطرس به جای خود بازگشت در حالی که می گفت: چه کسی مانند من است که من آزاد شده حسین فرزند علی و فاطمه و جدّ او احمد حاشر صلوات الله علیهم اجمعین هستم^(۲).

شیخ در مصباح روایت کرده است که: توقیعی خارج شد برای قاسم بن علاء همدانی وکیل حضرت ابو محمد (علیه السلام) که: مولای ما حسین بن علی (علیه السلام) روز پنجشنبه سوم شعبان متولد شده است پس آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ...»، و در همین دعا آمده است: «وَعَادَ فِطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَتَنَحُّنُ

۱. امالی صدوق: ۸۴؛ بحار الانوار: ۴۳/۲۴۳. و در اثبات الوصیه ۱۲۵ آمده است: هنگامی که فطرس برخاست پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: خداوند مرا شفیع تو قرار داد، ملازم زمین کربلا باش و مرا از هر کس که به زیارت حسین (علیه السلام) تا روز قیامت آمد خبر ده؛ و آن ملک «آزاد شده حسین» نامیده شد.

۲. مناقب ابن شهر آشوب: ۷۵/۴.

عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَغْدِهِ^(۱)؛ فطرس به گهواره حسین علیہ السلام پناه آورد و ما بعد از او به قبرش پناه می‌بریم».

سید در ملهوف گوید: در آسمانها ملکی نمااند مگر اینکه نزد نبی اکرم ﷺ آمد و سلام به حضرت نمود و به او در باره حسین علیہ السلام تسلیت گفت و خبر داد از ثوابی که به او عطا شود، و تربت او را بر آن حضرت عرضه داشتند و پیامبر ﷺ می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ وَاقْتُلْ مَنْ قَتَلَهُ وَلَا تَمَتَّعْ بِمَا طَلَبَهُ^(۲)؛ خدایا! خوار کن کسی که او را مخدول کند، و به قتل برسان کسی که او را بکشد، و او را از آنچه می‌خواهد بهره‌مند مگردان».

ابن شهر آشوب در حدیثی در مناقب آورده است: جبرئیل علیہ السلام روزی نازل شد و دید که فاطمه علیها السلام خوابیده و حسین علیہ السلام بی‌تابی می‌کند، پس جبرئیل او را از گریه کردن بازداشت و آرام کرد تا اینکه مادرش بیدار شد، پس رسول خدا ﷺ فاطمه را از این امر آگاه کرد^(۳).

سید بحرانی در مدینه المعاجز از شرحبیل بن ابی عوف روایت کرده است: هنگامی که حسین علیہ السلام متولد شد ملکی از ملائکه فردوس اعلیٰ فرود آمد و به دریای اعظم رفت و در اقطار آسمانها و زمین فریاد زد: ای بندگان خدا! لباس حزن بیوشید و غم و اندوه اظهار نمایید که فرزند محمد کشته و مظلوم است^(۴).

۱. مصباح المتعجد: ۷۵۸.

۲. ملهوف: ۱۳.

۳. مناقب ابن شهر آشوب: ۷۵/۴.

۴. مدینه المعاجز: ۲۳۶.